

گلوله برفی

شناخت همه جانبه یکی از ثروتمندترین مردان دنیا،

وارن بافت

نویسنده:

آلیس شرودر

مترجمان:

سهیل نیکخواه - شهریار هاشمی طباطبایی

آراد کتاب

فهرست

بخش اول: کارت امتیاز داخلی

۲	فصل اول: دفتر کار
۴	فصل دوم: سانولی
۱۷	فصل سوم: زندگی روزمره یک میلیاردر
۲۳	فصل چهارم: وارن چه اتفاقی افتاده؟

بخش دوم: تحصیلات مقدماتی

۲۸	فصل پنجم: شانس
۳۳	فصل ششم: مسابقه تیله‌بازی در وان حمام
۴۲	فصل هفتم: روز جشن مدرسه
۴۸	فصل هشتم: یک‌هزار راه
۵۷	فصل نهم: انگلستان جوهری
۶۹	فصل دهم: داستان‌های جنایی
۷۱	فصل یازدهم: بدن‌سازی
۷۴	فصل دوازدهم: سایلنت سیلر
۸۱	فصل سیزدهم: قوانین شرط‌بندی در مسابقات اسب‌دوانی
۸۵	فصل چهاردهم: فیل سواری
۹۲	فصل پانزدهم: مصاحبه

۹۷	فصل شانزدهم: چه تأثیرگذار!
۱۰۳	فصل هفدهم: بن گراهام
۱۰۹	فصل هجدهم: خدمت سربازی
۱۱۲	فصل نوزدهم: مراسم عروسی

بخش سوم: بیست مسابقه

۱۲۰	فصل بیستم: گراهام - نیومن
۱۲۷	فصل بیست و یکم: طرف‌های بازی
۱۳۲	فصل بیست و دوم: شراکت‌های ابتدایی
۱۴۲	فصل بیست و سوم: چارلی مانگر
۱۴۵	فصل بیست و چهارم: حرص و ترس
۱۵۲	فصل بیست و پنجم: جنگ آسیاب‌های بادی
۱۵۶	فصل بیست و ششم: یک انبار پُر از طلا
۱۶۲	فصل بیست و هفتم: حماقت
۱۶۸	فصل بیست و هشتم: چک‌های بدون امضا
۱۷۲	فصل بیست و نهم: دی آر سی
۱۷۶	فصل سی ام: جک زبر و زرنج
۱۸۲	فصل سی و یکم: عرصه سیاست
۱۸۷	فصل سی و دوم: ساده، مطمئن، سودآور و خوشایند
۱۹۲	فصل سی و سوم: شکست دادن وال استریت

بخش چهارم: جدایی

۲۰۰	فصل سی و چهارم: غارتگر آب نبات
۲۰۹	فصل سی و پنجم: روزنامه سان
۲۱۵	فصل سی و ششم: دو موش آب کشیده
۲۱۹	فصل سی و هفتم: سهام واشنگتن پست
۲۲۴	فصل سی و هشتم: مدل کاری واتلس
۲۲۹	فصل سی و نهم: سقوط بازار
۲۳۵	فصل چهلم: چگونه باید یک کتابخانه را اداره نمود

۲۴۲	فصل چهل و یک: جدایی
۲۴۹	فصل چهل و دوم: خرید روزنامه

بخش پنجم: پادشاه وال استریت

۲۵۶	فصل چهل و سوم: فرعون
۲۶۴	فصل چهل و چهارم: رُز
۲۷۰	فصل چهل و پنجم: کامیون جرتقیل دار را خبر کن
۲۷۴	فصل چهل و ششم: خط مرزی
۲۸۵	فصل چهل و هفتم: دوشنبه سیاه
۲۹۲	فصل چهل و هشتم: مکیدن شست
۳۰۷	فصل چهل و نهم: تاوان بزرگ
۳۱۴	فصل پنجاهم: آشنایی با بیل گیتس
۳۲۱	فصل پنجاه و یکم: خرس به جهنم
۳۳۰	فصل پنجاه و دوم: دانه مرغ

بخش ششم: چک‌های جبران خسارت

۳۴۰	فصل پنجاه و سوم: جن
۳۴۲	فصل پنجاه و چهارم: نیم‌روده
۳۵۰	فصل پنجاه و پنجم: آخرین میهمانی کاترین
۳۵۵	فصل پنجاه و ششم: از طبقه ثروتمندان، علیه ثروتمندان
۳۶۲	فصل پنجاه و هفتم: کاهنِ اوماها
۳۷۲	فصل پنجاه و هشتم: سرطان
۳۷۷	فصل پنجاه و نهم: زمستان
۳۸۰	فصل نصت: آتش هفتم
۳۸۹	فصل نصت و یکم: چک‌های جبران خسارت
۴۰۰	فصل نصت و دوم: بحران
۴۲۹	فصل نصت و سوم: گلوله‌برفی



دفتر کار

اوماها^۱ * ژوئن ۲۰۰۳

وارن بافت^۲ صندلی اش را به عقب هل داده، پاهایش را روی هم گذاشته، و پشت میز کار چوبی ساده پدرش هاوارد^۳ نشسته بود. کت گران قیمت مدل زنیا^۴ روی شانه‌هایش چین خورده بود انگار که آن را اتو نشده از رگال لباس فروشی برداشته و پوشیده است. او این کت و شلوار را هر روز و در تمامی ساعات کاری بدون توجه به اینکه ۱۵ کارمند دیگر دفتر اصلی برکشایر هت‌اوی^۵ چه لباسی بر تن دارند، می‌پوشید. پیراهن همیشگی سفید او در اثر استفاده زیاد و به دلیل ناهماهنگی سایز یقه و کراوات، بر تنش درست نمی‌ایستاد. به نظر می‌رسید این لباس از سال‌ها پیش، زمانی که او یک تاجر جوان بوده، به‌جا مانده است؛ انگار او در ۴۰ سال گذشته فراموش کرده است که سایز یقه‌اش را چک کند. او دستانش را در پشت سر و بین دسته‌ای از موهای سفیدش حلقه کرده بود. ابروان پُرپشت او از بالای عینکش به چشم می‌آمد؛ این ابروها، ژستی مشکوک و جذاب به او می‌دادند. او یک عینک صدف لاک‌پشتی - پوسته‌ای با رگه‌های زرد و قهوه‌ای که از نوعی لاک‌پشت گرفته می‌شود و در ساخت جواهرآلات کاربرد دارد - بر چشم داشت. با تمام این اوصاف، چشم‌های آبی رنگ‌پریده او، به روبرو خیره شده بودند. اطراف او پر بود از وسایل و خاطرات ۵۰ سال کار و تلاشش. در راهروهای بیرون دفترش، عکس‌های تیم فوتبال نبراسکا کورن‌هاسکرز^۶، چک دستمزد او برای حضورش در یک نمایش تلویزیونی و نامه پیشنهادی برای خرید یک صندوق

1. Omaha
4. Zegna

2. Warren Buffet
5. Berkshire Hathaway

3. Howard
6. Nebraska Cornhuskers

سرمایه‌گذاری به نام لانگ ترم کپیتال منیجمنت^۱ که البته هیچ‌گاه پذیرفته نشد، در همه‌جا به چشم می‌خوردند.

یک دستکش بیس‌بال در جعبه‌ای از لوسایت - نوعی ماده پلاستیکی جایگزین شیشه - در گوشه‌ای از اتاق به چشم می‌خورد. روی دیوار، بالای مبل راحتی، گواهی گذراندن دوره صحبت کردن عمومی دیل کارنگی^۲ در تاریخ ژانویه ۱۹۵۲، نصب شده بود. کالسکه ولز فارگو^۳ روی قفسه کتاب قرار داشت. جایزه پولیتزر^۴ که روزنامه سان^۵ اوهاها در سال ۱۹۷۳ برنده شده بود، هم آنجا به دیوار بود؛ البته مالکیت این روزنامه به شراکت سرمایه‌گذاری او برمی‌گشت.^۶

روزنامه‌ها و کتاب‌های بسیاری در سراسر اتاق پخش بودند. عکس‌های خانواده او و دوستانش، تمام فضای قفسه، میز کناری و همچنین فضای مخصوص به کامپیوتر در کنار میز را به خود اختصاص داده بودند و یک عکس بزرگ از پدرش هم به دیوار پشت میز کار او و درست بالای سرش آویزان بود. این عکس به‌گونه‌ای نصب شده بود تا هرکسی که وارد اتاق می‌شود آن را ببیند. با وجودی که منظره دل‌انگیز صبح اواخر بهار اوهاها در بیرون و سوسه‌انگیز بود، اما کرکره چوبی قهوه‌ای اتاق پایین بود و منظره را کاملاً پوشانده بود. تلویزیون رو به میز کار او هم روی شبکه مخصوص اخبار بازار تنظیم شده بود. او صدای تلویزیون را قطع کرده بود و فقط با نگاه کردن به قسمت متحرک زیرنویس صفحه، خوراک اخبار خود در طول روز را تأمین می‌نمود. چندین سال بود که اخبار، اغلب در مورد فعالیت‌های خود او بود؛ و این باعث رضایت خاطر وی می‌شد.

به هر حال او در سن ۷۲ سالگی مانند یک نوجوان، سرزنده و شاداب بود.

سانولی^۱آیداهو^۲ * ژوئیه ۱۹۹۹

وارن بافت از ماشینش پیاده شد و چمدانش را از صندوق عقب بیرون آورد. او به سمت جت گالف استریم^۳ شخصی خود، یکی از بزرگترین هواپیماهای جهان در سال ۱۹۹۹، به راه افتاد. یکی از خلبان‌ها چمدان او را گرفت تا آن را در قسمت مربوط به بار قرار دهد. هر خلبان جدیدی که با بافت پرواز می‌کرد از اینکه او خودش شخصاً وسایلش را از ماشینی که خودش راننده آن بود خالی می‌کند، شوکه می‌شد. او از پلکان هواپیما بالا رفت و در صندلی کنار پنجره مستقر شد، پنجره‌ای که هرگز در طول سفر از آن به بیرون نگاه نمی‌کرد. او آن روز سرحال بود و برای آن پرواز، از هفته‌ها پیش برنامه‌ریزی کرده بود. درون هواپیما، پسرش پیتر^۴ و همسر او جنیفر^۵، دخترش سوزان^۶ و دوستش، و دو تا نوه‌اش که مشغول تاب خوردن در صندلی‌هایشان بودند، حضور داشتند. در این بین، خدمه پرواز با استیک و غذاهای آماده داخل هواپیما، از آنها پذیرایی می‌کردند. کنار صندلی، یک دسته مجله قرار داشت. با این حال، یکی از خدمه پرواز، یک بغل روزنامه به همراه یک قوطی کوکا و ظرفی از چیپس برای بافت آورد. وارن پس از اعلام اینکه خانواده آماده پرواز هستند، مشغول خواندن روزنامه شد. هواپیما به آرامی از زمین بلند شد و سریعاً به ارتفاع ۴۰۰۰۰ پایی رسید. در ساعات پرواز، دیگر اعضای خانواده در اطراف او مشغول صحبت کردن، تماشای فیلم، و برقرار

1. Sun Valley

4. Peter

2. Idaho

5. Jennifer

3. Gulfstream IV jet

6. Susan